نشریهٔ علمی باغ نظر، ۲۳(۱۶۲)، ۵-۱۸ / آذر ۱۴۰۵
DOI:10.22034/bagh.2026.572914.5980

ترجمهٔ انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Alchemy of Words in the Hall of History: A Critical Analysis of Dominant Discourses in Storytelling at the Mir Emad Calligraphy Museum
در همین شمارهٔ مجله به‌چاپ رسیده است.

مقالهٔ پژوهشی

کیمیای کلمات در تالار تاریخ: واکاوی انتقادی گفتمان‌های مسلط بر روایت‌گری در موزهٔ خط و کتابت میرعماد

الهام نصرت نظامی[۱]، ابوالفضل داودی رکن‌آبادی[۲*]، حمیده جعفری[۳]، نیره السادات مبینی‌پور[۴]

۱. گروه تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران
۲. گروه طراحی پارچه و لباس، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی،یزد، ایران
۳. گروه هنر، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. گروه هنر، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

چکیده

بیان مسئله: موزه‌های هنرهای اسلامی در مواجهه با مخاطب معاصر با چالش بازتولید معنا و روایت‌گری اثربخش روبرو هستند؛ با وجود غنای بصری آثار خوشنویسی، شیوه‌های نمایش سنتی در موزه‌ها عمدتاً شیءمحور بوده و از لایه‌های پنهان گفتمانی غافل مانده‌اند. شکاف پژوهشی نشان می‌دهد که تاکنون الگوهای نظام‌مند روایت‌گری که بتواند مبنای تعامل عمیق با مخاطب قرار گیرد، به‌طور دقیق استخراج نشده است؛ لذا مسئلهٔ اصلی این پژوهش، شناسایی و کدگذاری گفتمان‌هایی است که شالودهٔ روایت‌گری در موزه‌های تخصصی خط و کتابت را شکل می‌دهند.

هدف پژوهش: هدف این مقاله، واکاوی انتقادی و استخراج الگوهای مسلط روایت‌گری در موزهٔ خط و کتابت میرعماد از دیدگاه خبرگان، به منظور دستیابی به یک چارچوب مفهومی برای بازطراحی تجربهٔ موزه‌ای است.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکرد کیفی و راهبرد مطالعه موردی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۵۱ نفر از خبرگان (مدیران، کیوریتورها و پژوهشگران ارشد هنر اسلامی) که به روش هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند، گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوای کیفی و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی (بر مبنای ۲۹ مفهوم اولیه و ۸۱ مقولهٔ محوری) صورت گرفت.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش منجر به شناسایی و صورت‌بندی شش الگوی گفتمانی مسلط در روایت‌گری آثار شد: زیبایی‌شناختی (تمرکز بر وجوه صوری)، تاریخی-تمدنی (بافت هویتی)، دینی-عرفانی (ابعاد قدسی)، تعاملی-رسانه‌ای (فناوری‌های نوین)، روایی-داستانی (قصه‌گویی از زندگی هنرمند) و مخاطب‌محور (تطبیق با نیازهای مراجعین). نتایج نشان می‌دهد که روایت‌گری در این موزه پتانسیل عبور از یک نمایش ایستا به یک «میدان گفتگوی چندصدایی» را دارد که در آن هر گفتمان، لایه متفاوتی از معنا را برای مخاطبان مختلف بازنمایی می‌کند.

واژگان کلیدی: *تحلیل گفتمان، روایت‌گری موزه‌ای، هنر خوشنویسی اسلامی، موزهٔ میرعماد، تحلیل محتوای کیفی*

مقدمه

موزه‌ها در عصر حاضر، فراتر از نهادهایی صرفاً حافظ و نمایش‌دهندهٔ آثار، به عرصه‌های پیچیده‌ای برای تولید و مبادلهٔ معنا تبدیل شده‌اند (Chourmouziadi, 2025). در این فضاهای گفتمانی، قدرت، دانش و ایدئولوژی از طریق مکانیسم‌های به ظاهر عینی نمایش و تفسیر شکل می‌گیرند (Khan & Iqbal, 2025). در این میان، روایت‌گری به‌مثابهٔ قلب تپندهٔ تجربهٔ موزه‌ای، نقشی محوری در شکل‌دهی به ادراک، تفسیر و تعامل مخاطب ایفا می‌کند؛ فرایندی که صرفاً انتقال اطلاعات نیست، بلکه از طریق چیدمان و فضا، لایه‌های معنایی آثار را آشکار می‌سازد (Kjørholt, 2024).

هنرهای اسلامی به‌عنوان تجلی‌گاه باشکوه تمدن، همواره حامل پیام‌های عمیق فرهنگی، دینی و تاریخی بوده‌اند و موزه‌ها وظیفه دارند به‌مثابهٔ پل ارتباطی میان این میراث و مخاطب معاصر عمل کنند (Arik, 2026). در این میان،

*نویسندهٔ مسئول: ۰۹۱۳۱۵۱۳۷۹۶، davodi@iau.ir

هنر خوشنویسی جایگاهی بی‌همتا دارد؛ چرا که نه صرفاً یک تکنیک نگارشی، بلکه واسطه‌ای منحصربه‌فرد بین «کلمه» (تجلی کلام الهی) و «صورت» (جلوهٔ زیبایی آفرینش) است (Zakeri, 2025)؛ با این حال، بسیاری از موزه‌های این حوزه در ایجاد درگیری ذهنی برای مخاطب امروزی که در محیطی اشباع‌شده از رسانه‌ها رشد یافته، با چالش مواجه هستند (Gonzalez, 2022). رویکرد غالب در بسیاری از این تالارها همچنان «شیءمحور» بوده و از لایه‌های پنهان گفتمانی غافل مانده است.

موزهٔ خط و کتابت میرعماد، به‌عنوان گنجینه‌ای از شکوفایی خوشنویسی ایرانی، بستر اصلی این پژوهش است. مسئلهٔ اساسی اینجاست که روایت‌های حاکم بر این موزه چگونه سازماندهی شده‌اند؟ گفتمان‌پژوهی به‌عنوان یک پارادایم تحلیلی، امکان بررسی نظام‌مند فرایندهای تولید معنا در این بستر را فراهم می‌آورد (Hovenden et al., 2025). با وجود غنای آثار، شکاف پژوهشی نشان می‌دهد که مطالعات انتقادی بر روایت‌گری موزه‌ای در بافت فرهنگی ایران بسیار محدود است؛ براین‌اساس، هدف این مقاله واکاوی لایه‌های پنهان در روایت‌گری موزهٔ میرعماد است تا مشخص شود چگونه کلمات در این تالار تاریخ به کیمیایی برای انتقال معنا بدل می‌شوند. شناسایی این الگوها، نخستین گام برای گذار از پارادایم نمایش ایستای اشیاء به‌سوی طراحی تجربه‌های انسانی معنادار و چندصدایی است(Luo & Wang, 2023). براین‌اساس سؤال اصلی این پژوهش این است که: گفتمان‌های مسلط بر روایت‌گری در موزهٔ خط و کتابت میرعماد کدامند؟

مبانی نظری

در حوزهٔ مطالعات موزه‌ای، گفتمان‌پژوهی فراتر از یک روش، پارادایمی است که برپایهٔ آرای متفکرانی چون میشل فوکو[1] (۱۹۷۲) و لاکلائو و موفه[2] (۱۹۸۵) استوار است؛ این دیدگاه بر این گزاره تأکید دارد که معنا محصول روابط قدرت و ساختارهای اجتماعی-فرهنگی است و در خلأ شکل نمی‌گیرد (Hovenden et al., 2025). در موزه‌های هنر اسلامی، بازنمایی آثار اغلب تحت تأثیر گفتمان «شرق‌شناسی» قرار داشته است که تمدن اسلامی را به‌عنوان «دیگری» ایستا، در گذشته به تصویر می‌کشد (Ciotti, 2023). تحلیلِ انتقادی نشان می‌دهد که بسیاری از موزه‌ها با تمرکز بر گفتمان «تمدن بزرگِ منجمد»، پیوند میان آثار تاریخی و جوامع پویا و معاصر جهان اسلام را قطع کرده و اسلام را تنها به «تاریخ» تقلیل می‌دهند (Grigor, 2020)؛ لذا، موزه موظف است با شفاف‌سازی فرایندهای کیوریتوریال، از یک «معبد زیبایی‌شناسی منجمد» به‌سوی «میدانی برای گفت‌وگوی انتقادی و بازاندیشی هویتی» حرکت کند (Castellano, 2020).

هنر خوشنویسی در تمدن اسلامی، نظامی از نشانه‌های نوشتاری است که برپایهٔ «الهیات نوشتار» سازمان یافته است؛ در این سنت، نخستین فعل آفرینش، «نوشتن» تلقی شده و خوشنویسی نیز تقلیدی نمادین از آفرینش الهی (لوح و قلم) محسوب می‌شود (Prochwicz-Studnicka,2025). زیبایی‌شناسی این هنر بر هندسهٔ مقدسی استوار است که ابوعلی محمد بن مقله شیرازی (مشهور به ابن مقله) در قرن سوم هجری با تنظیم قواعد مبتنی‌بر «نقطه» و «دایره» آن را نظام‌مند ساخت. این قواعد سخت‌گیرانه تلاشی برای تجلی بخشیدن به کمال الهی و توازن عالم خلقت در قالب مادی بود (Yusof & Azalie, 2025). تکامل این هنر از خطوط قاعده‌مند (مانند کوفی و ثلث) به‌سوی خطوط حسی و ذوقی (مانند نستعلیق)، نشان‌دهندهٔ تعادل میان «قاعده» و «ذوق» است که جوهرهٔ اصلی زیبایی‌شناسی ایرانی-اسلامی را شکل می‌دهد. در این چارچوب، یک صفحه خوشنویسی تنها یک اثر فنی نیست، بلکه «آینه‌ای از جهان هستی» است که در آن وحدت حروف، کثرتِ کائنات را بازنمایی می‌کند (Yunita, 2022).

در اینجا پرسشی اساسی مطرح می‌شود: الهیات نوشتار در سنت خوشنویسی اسلامی چه نسبتی با تحلیل گفتمان در مطالعات موزه‌ای دارد؟ پاسخ آنکه هر دو حوزهٔ معرفتی، «معنا» را امری غیرطبیعی و برساخت‌شده می‌دانند، نه ذاتی و ضروری. در الهیات اسلامی، کلمه (قول) بر صورت (فعل) مقدم است و معنا از طریق نظام نشانه‌ای نوشتار (لوح و قلم) بازنمایی می‌شود. در گفتمان‌پژوهی نیز معنا محصول روابط قدرت و ساختارهای زبانی است و هیچ متن یا اثری به خودی خود حامل یک معنای نهایی و قطعی نیست. بنابراین، اثر خوشنویسی اسلامی در موزه را نمی‌توان صرفاً یک «شیء زیبا» یا یک «سند تاریخی» تلقی کرد؛ بلکه باید آن را «نظامی از نشانه‌ها» دانست که در تقاطع دو گفتمان (گفتمان قدسی-دینی و گفتمان زیبایی‌شناختی-تاریخی) بازتولید می‌شود. موزه به‌عنوان یک نهاد گفتمانی، این دو لایه را یا هماهنگ می‌کند (مثلاً با تأکید بر عرفانی بودن همزمان زیبایی خط) یا آنها را در تقابل قرار می‌دهد (مثلاً با اولویت دادن به جنبهٔ فنی و تاریخی اثر و حذف بُعد معنوی). این پژوهش دقیقاً به دنبال شناسایی همین «نحوهٔ مدیریت پیوند» میان این دو حوزهٔ معرفتی در روایت‌گری موزهٔ میرعماد است.

روایت‌گری در موزه، فرایندی نظام‌مند شامل عناصری چون کنشگران، فضاسازی و نقطهٔ دید است که تجربهٔ بازدیدکننده را از مشاهده صرف به تعامل عمیق ارتقا می‌دهد (LeBlanc, 2022). روایت‌گری موفق با بهره‌گیری از «قاب‌بندی‌های پیشین و پسین» (عناصر سازمان‌دهی بصری و تفسیری)، زنجیره‌ای از رویدادها را شکل می‌دهد که گفتمان روایی موزه را می‌سازند (Morcos & Morcos, 2025). تحول در این حوزه منجر به

گذار از «خط سیر تاریخی» به‌سمت «قصه‌گویی زمینه‌مند» شده است؛ جایی که به جای نمایش اشیاء به‌عنوان نمونه‌های سبکی، بر داستان زندگی هنرمند، روابط عاطفی او و کارکردهای اجتماعی اثر تأکید می‌شود (Eiranen et al., 2022)؛ این رویکرد چندصدایی، با استفاده از رسانه‌های چندگانه و ایجاد فضا برای پرسشگری، بازدیدکننده را به جای یک مخاطب منفعل، به یک شرکت‌کنندهٔ فعال در ساخت معنا بدل می‌کند (Šuvaković, 2009). توسعهٔ «موزه‌شناسی انتقادی» که به بررسی نقش قدرت، ایدئولوژی و هویت در نمایش آثار می‌پردازد، در کنار تلفیق هرچه بیشتر «حکمت هنر اسلامی» با دانش موزه‌داری معاصر، به‌گونه‌ای که فضای موزه بتواند هم تجربهٔ زیبایی‌شناختی و هم معرفت‌افزایی را فراهم کند و همچنین گسترش پژوهش‌های تجربی دربارهٔ رفتار و ترجیحات مخاطبان، به‌ویژه نسل جوان و بینندگان غیرمسلمان، برای طراحی تجربه‌های آموزشی و عاطفی مؤثرتر می‌تواند نقش و جایگاه موزه‌ها ارتقا دهد. توجه به پایداری فرهنگی و اقتصادی، از طریق ایجاد پیوند با صنایع فرهنگی خلاق و توسعهٔ گردشگری میراث، از دیگر جهت‌گیری‌های کلیدی در موزه‌های هنری محسوب می‌شود. در این مسیر، موزه‌های هنر اسلامی می‌توانند به آزمایشگاه‌هایی زنده برای گفت‌وگوی بینافرهنگی و ترویج درک متقابل در راستای ارتقای بینش اسلامی و توسعهٔ ارزش‌ها و باورهای اسلامی تبدیل شوند.

- **نشانه‌شناسی فضایی در روایت‌گری موزه‌ای**

روایت‌گری موزه تنها به آنچه «گفته می‌شود» (متون برچسب‌ها، راهنمای صوتی، کاتالوگ‌ها) محدود نیست، بلکه به‌شدت تحت تأثیر آنچه «نشان داده می‌شود» و «چگونه نشان داده می‌شود» نیز قرار دارد. نشانه‌شناسی فضایی به بررسی چگونگی تولید معنا از طریق چیدمان اشیاء، نورپردازی، رنگ دیوارها، فاصله میان ویترین‌ها، مسیر حرکت بازدیدکننده و حتی ارتفاع قاب‌ها می‌پردازد. در موزه‌های هنر اسلامی، فضاسازی معنوی (نور ملایم، سکوت، چیدمان متقارن) می‌تواند گفتمان دینی-عرفانی را تقویت کند، در حالی که نورپردازی نمایشگاهی-موزه‌ای با تأکید بر جزئیات فنی، گفتمان زیبایی‌شناختی را برجسته می‌سازد. به همین ترتیب، چیدمان آثار براساس توالی تاریخی (از قدیم به جدید) گفتمان تاریخی-تمدنی را بازتولید می‌کند، در حالی که چیدمان موضوعی یا روایی-داستانی (مانند کنار هم قرار گرفتن آثار مرتبط با زندگی یک هنرمند) گفتمان‌های دیگری را فعال می‌سازد. بنابراین، در تحلیل گفتمان‌های مسلط بر روایت‌گری موزه، «فضای فیزیکی» به اندازهٔ «متن نوشتاری» حامل معناست و این پژوهش در یافته‌های خود (به ویژه در گفتمان‌های دینی-عرفانی و تعاملی-رسانه‌ای) به کاربردهای عینی نشانه‌شناسی فضایی اشاره کرده است.

پیشینهٔ پژوهش

جایگاه پژوهش حاضر: این رساله با پر کردن شکاف بین تحلیل گفتمان آثار و روایت‌گری موزه در پی ایجاد گفتمانی نو در موزه‌شناسی هنر اسلامی است و دانشی کاربردی برای ارتقای نقش آموزشی-اجتماعی این نهادهای فرهنگی فراهم می‌آورد؛ ارائهٔ چارچوبی تلفیقی و میان‌رشته‌ای که تحلیل گفتمان انتقادی آثار هنری با تمرکز بر خطاطی اسلامی را با نظریه‌های روایت‌گری موزه‌ای پیوند می‌زند، واکاوی چگونگی تبدیل گفتمان‌های درون‌متنی آثار (دینی، تاریخی، زیبایی‌شناختی) به گفتمان‌های نمایشی موزه را میسر می‌سازد؛ تمرکز بر موزهٔ خط و کتابت میرعماد به‌عنوان یک موزهٔ تخصصی، این پژوهش را از مطالعات کلی‌گرایانه متمایز می‌سازد. بررسی رابطهٔ روایت و مخاطب در موزه‌ای که ذاتاً با متونی سروکار دارد که هم شکل هنری و هم محتوای معنایی غنی دارند، پیچیدگی و عمق خاصی به یافته‌ها می‌بخشد و الگویی قابل تعمیم به سایر موزه‌های تخصصی مشابه (مانند موزه‌های قرآنی) ارائه می‌دهد. این در حالی است که مطالعات قبلی به شرح زیر چنین رویکرد تلفیقی، انتقادی و متمرکزی ندارند.

در پژوهشی با عنوان«نقش گفتمان موزه‌ای در انسجام‌بخشی گفتمان‌های متعارض (مطالعه موردی نمایشگاه آینده‌ای برای گذشته)»، به تحلیل نمایشگاه‌ها براساس نظریهٔ گفتمان انتقادی لاکلائو و موفه پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که موزه‌ها با استفاده از اعتبار نهادی خود، گفتمان‌های خرد و متعارض (مانند گفتمان‌های تاریخی، هنری و اخلاقی) را سازماندهی کرده و به یک ثبات معنایی و مشروعیت‌بخشی در روایت آثار دست می‌یابند (Dashtizadeh & Mesbah, 2025). اگرچه این مطالعه به خوبی نقش موزه را در انسجام‌بخشی به گفتمان‌های متعارض نشان می‌دهد، اما تمرکز آن بر «نمایشگاه» به‌عنوان یک رویداد موقتی است و به موزه‌های تخصصی با مجموعه‌های دائمی هنر اسلامی نمی‌پردازد. همچنین، این پژوهش فاقد واکاوی لایه‌های درون‌متنی خود آثار هنری است.

در مطالعه دیگری با عنوان«تحلیل روایت‌شناختی موزه‌های هنر با تاکید بر مفهوم قاب‌بندی به‌مثابهٔ بعد رویدادها براساس آرای میکه بال[۳] و سیمور چتمن[۴]»، محققان براساس آرای میکه بال و سیمور چتمن به بررسی زنجیرهٔ رویدادها در گفتمان روایی موزه‌ها پرداخته‌اند؛ آنها با معرفی دو مفهوم «قاب‌بندی پیشین» و «قاب‌بندی پسین»، عناصر سازماندهی بصری و تفسیری (مانند متون و رسانه‌ها) را به‌عنوان عوامل اصلی شکل‌دهندهٔ به روایت نمایشگاهی در موزه‌های هنر شناسایی کرده‌اند (Rezaei Mahvar & Nazeri, 2024). نقطهٔ قوت این پژوهش، معرفی مفهوم «قاب‌بندی پیشین و پسین» است. با این حال، مطالعهٔ مذکور عمدتاً بر موزه‌های هنر مدرن متمرکز بوده و به ویژگی‌های خاص هنر قدسی و خوشنویسی اسلامی توجه

نکرده است؛ خلأیی که پژوهش حاضر با تمرکز بر موزهٔ تخصصی میرعماد پر می‌کند.

یک مطالعه موردی بر روی اثر «قطعهٔ خط نادعلی میرعماد»، به بررسی رویکردهای نوین آموزش در موزه‌ها پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد حس همدلی در مخاطب از طریق روایت‌های اخلاقی و زیبایی‌شناختی آثار خوشنویسی، مستقیماً بر نتایج یادگیری و تغییر نگرش بازدیدکنندگان تأثیر گذاشته و انتقال پیام آثار را تسهیل می‌کند (Fadaei Tehrani et al., 2023). این پژوهش از نظر توجه به «همدلی» در روایت‌گری ارزشمند است، اما اثر مورد مطالعه (قطعهٔ خط نادعلی میرعماد) تنها یک اثر است و یافته‌ها را نمی‌توان به کل روایت‌گری موزه تعمیم داد. همچنین، روش پژوهش کمی بوده و به لایه‌های پنهان گفتمانی نپرداخته است.

در یک رسالهٔ دکتری با عنوان «تحلیل گفتمان روایی در نمایشگاه و چیدمان موزه‌های هنر»، بر چگونگی خلق روایت از طریق طراحی معماری و چیدمان تأکید شده است؛ یافته‌ها حاکی از آن است که ابزارهای روایت‌گری (مانند ترتیب و سطوح روایت) و نقش راوی (کیوریتور یا معمار)، تجربه‌ای فراتر از بازدید صرف فراهم کرده و به روایت‌گری مؤثری در تالارهای هنر منجر می‌شود (رضایی مهوار، ۱۴۰۲). رسالهٔ مذکور عمدتاً بر ابعاد معماری و چیدمان فضایی تأکید دارد و کمتر به تحلیل محتوایی روایت‌ها (آنچه گفته می‌شود) پرداخته است. پژوهش حاضر بهعنوان مکمل، بر لایه‌های معنایی و گفتمانی متون و تفسیرهای موزه تمرکز می‌کند. پژوهشی دیگر به بررسی تأثیرپذیری مخاطبان از مؤلفه‌های نمادشناسی پرداخته است؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی نظیر «لزوم بازسازی گذشته» و «نقش نمادین عناصر در تجلی کالبدی مفاهیم»، بیشترین برجستگی را در ذهن مخاطب داشته و به ادراک عمیق‌تر از معنای نهفته در آثار موزه‌ای کمک می‌کند (رستمی، ۱۴۰۳). این پژوهش در حوزهٔ نمادشناسی جنگ ارزشمند است، اما به‌دلیل تفاوت موضوعی (موزهٔ جنگ در برابر موزهٔ هنر اسلامی) و تفاوت در نوع مخاطب، قابلیت تعمیم به بافت پژوهش حاضر را ندارد؛ با این حال، تأکید آن بر «ادراک عمیق معنا» الهام‌بخش طراحی سؤالات پژوهش حاضر بوده است.

در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطهٔ بین مجموعه‌های اسلامی و مخاطبان آنها:مطالعهٔ تطبیقی دو موزهٔ بریتانیا»، دسترس‌پذیری آثار اسلامی در موزه‌های بریتانیا مورد واکاوی قرار گرفته و محققان به این نتیجه رسیده‌اند که فقدان وضوح در برچسب‌گذاری و ناتوانی در ایجاد ارتباط معنایی با مجموعه‌ها، از موانع اصلی تعامل مخاطب است و بر ضرورت شناخت دقیق مشخصات جمعیتی برای افزایش مشارکت تأکید کرده‌اند (Ibrahim ,2023).

در تحقیقی با عنوان «تأثیرگذاری بر ارائه و تفسیر هنر اسلامی در محیط‌های موزه‌ای»، به نقد بازنمایی کلیشه‌ای و شرق‌شناسانه هنر اسلامی در موزه‌های غربی پرداخته است؛ محقق استدلال می‌کند که موزه‌ها باید از روایت‌های یکسان‌ساز رسانه‌ای فاصله گرفته و با استفاده از روش‌های نوین تفسیری، تصویری دقیق‌تر و انتقادی از فرهنگ و هنر اسلامی ارائه دهند (Gazi ,2022).

در پژوهشی با عنوان «افزایش تعامل با موزه از طریق واقعیت مجازی، مطالعه موردی: موزهٔ مصر در قاهره» تأثیر فناوری‌های نوین بر درگیری مخاطب در موزهٔ مصر بررسی شده است؛ محققان نشان دادند که استفاده از روایت‌های دیجیتال و ویدیوی ۳۶۰ درجه، با غلبه‌بر محدودیت‌های فیزیکی، تجربه‌ای تعاملی‌تر و شخصی‌سازی‌شده فراهم کرده و فهم عمیق‌تری از تاریخ و فرهنگ را در مخاطب ایجاد می‌کند (Hassan et al., 2025).

در مطالعهٔ دیگری با عنوان «ترندهای اینستاگرام: روایت‌های بصری از تجربیات در موزهٔ هنر اسلامی»، به تحلیل بیش از ۴۰۰۰ تصویر از موزهٔ دوحه پرداخته شده و یافته‌ها نشان داده که روایت‌های بصری تولید شده توسط کاربران در فضای مجازی، بازتاب‌دهندهٔ عملکرد اجتماعی و هویت فرهنگی آن‌هاست و پتانسیل بالایی برای هم‌آفرینی روایت‌های موزه‌ای دارد (Arias ,2018).

در پژوهشی با عنوان «استفاده از ابزارها و فعالیت‌های روابط عمومی در موزه‌ها برای مشارکت بهتر جامعه: چشم‌انداز مصر ۲۰۳۰» پیرامون مشارکت جامعه در موزه‌های مصر، بر نقش رسانه‌های دیجیتال در ترویج پیام موزه تأکید شده و به این نتیجه رسیده که استفاده از استراتژی‌های روابط عمومی دیجیتال و روایت‌گری در شبکه‌های اجتماعی، منجر به افزایش سطح رضایت بازدیدکنندگان و تبدیل آنها به سفیران فرهنگی برای نهاد موزه می‌شود (Ahmed et al., 2025). مرور مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که پژوهش‌های خارجی عمدتاً بر دو محور متمرکز بوده‌اند: نخست، نقد بازنمایی شرق‌شناسانه هنر اسلامی در موزه‌های غربی (Gazi, 2022; Ibrahim, 2023) و دوم، بررسی فناوری‌های نوین و رسانه‌های اجتماعی در تعامل با مخاطب (Hassan et al., 2025; Arias, 2018; Ahmed et al., 2025)؛ با وجود غنای این مطالعات، هیچ‌کدام به‌طور خاص به «واکاوی گفتمان‌های درون‌متنی آثار خوشنویسی» و «ارائهٔ الگویی نظام‌مند برای روایت‌گری در موزهٔ تخصصی خط و کتابت» نپرداخته‌اند. شکاف اصلی در عدم تلفیق تحلیل گفتمان آثار با نظریه‌های روایت‌گری موزه‌ای در یک بافت غیرغربی (ایران) است.

بررسی دقیق پیشینه‌های پژوهش در سطوح ملی و بین‌المللی، نشان‌دهندهٔ تمرکز گسترده بر ابزارهای ارتباطی و بازنمایی در موزه‌های بزرگ است؛ با این حال، شکاف عمیقی در واکاوی نظام‌مند لایه‌های گفتمانی نهفته در «تک‌آثار» خوشنویسی و سنجش تجربی تأثیر این الگوهای روایی بر مخاطب در بافت

موزه‌های تخصصی ایران مشاهده می‌شود. نوآوری مطالعه حاضر در پاسخ به این خلأ، از طریق تلفیق «تحلیل گفتمان انتقادی آثار» با «نظریه‌های روایت‌گری موزه‌ای» و به‌کارگیری روش اکتشافی تجلی یافته است تا برای نخستین بار، الگوی بهینهٔ روایت‌گری گفتمان‌مدار را برمبنای هویت فرهنگی و تمدنی آثار موزهٔ میرعماد تدوین و ارائه نماید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف، توسعه‌ای و از نظر ماهیت و روش، یک تحقیق کیفی با رویکرد استقرایی است. پارادایم حاکم بر این مطالعه پراگماتیسم (عمل‌گرایی) است که بر حل مسائل عملی و پیامدهای کاربردی یافته‌ها تأکید دارد؛ راهبرد اصلی در این پژوهش، مطالعهٔ موردی (موزهٔ خط و کتابت میرعماد) با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی اکتشافی برای استخراج شاخص‌های گفتمان روایت‌گری است. جامعهٔ آماری شامل کلیه خبرگان و افراد کلیدی صاحب‌نظر در حوزل موزه‌داری، کیوریتوری و هنرهای اسلامی است که در طراحی، اجرا یا تفسیر روایت‌های موزه میرعماد نقش دارند؛ این افراد به سه گروه مدیران، کیوریتورها و راهنمایان/پژوهشگران متخصص تقسیم شده و از روش نمونه‌گیری هدفمند با تکنیک گلوله برفی استفاده شده است. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که در این پژوهش با انجام مصاحبهٔ عمیق با ۱۵ نفر از خبرگان حاصل شد؛ در این پژوهش، اشباع نظری به‌عنوان نقطه‌ای تعریف شد که در آن مصاحبه‌های جدید، اطلاعات تازه‌ای به مقوله‌های از پیش تعیین‌شده اضافه نمی‌کردند و داده‌های تکراری تکرار مفاهیم قبلی بودند. پس از انجام دوازدهمین مصاحبه، نشانه‌های اولیه اشباع مشاهده شد. با این حال، برای اطمینان بیشتر، سه مصاحبهٔ تکمیلی (تا نفر پانزدهم) انجام شد که در آنها هیچ مفهوم یا مقولهٔ جدیدی فراتر از ۹۲ مفهوم و ۱۸ مقاله شناسایی‌شده قبلی، استخراج نشد. در پایان مصاحبه پانزدهم، پژوهشگر اطمینان حاصل کرد که افزودن مصاحبه‌های بیشتر، تغییری در ساختار کدگذاری ایجاد نخواهد کرد. کلیهٔ مصاحبه‌ها حداکثر تا ۴۸ ساعت پس از اجرا، پیاده‌سازی و تحلیل مقدماتی شدند تا امکان تشخیص به‌موقع اشباع فراهم باشد. تمامی اعضای نمونه دارای سابقهٔ فعالیت بیش از ۱۵ سال در حوزه‌های مرتبط بودند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌عمیق و نیمه‌ساختاریافته بود و پروتکل مصاحبه شامل سؤالات در پنج طبقه: هویتی (سابقه کار)، زمینه‌ای (رسالت موزه)، سنسوری/حسی (چالش‌های انتقال مفاهیم قدسی)، دایرکتیو/هدایت‌گر (فرایند طراحی چیدمان) و قضاوتی (ارزیابی موفقیت روایت فعلی و پیشنهادهای آینده) بود؛ شیوهٔ اجرا به این صورت بود که مصاحبه‌ها به‌مدت ۵۰ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامیده و با رضایت شرکت‌کنندگان ضبط و سپس برای تحلیل، پیاده‌سازی شدند (مشخصات خبرگان در جدول ۱ قابل مشاهده است). برای سنجش کیفیت یافته‌های کیفی، از چهار معیار لینکلن و گوبا[5] (۱۹۸۵) استفاده شد و اجرای عملی هر معیار به شرح زیر صورت گرفت:

باورپذیری: پس از پیاده‌سازی و تحلیل اولیهٔ هر مصاحبه، خلاصه‌ای از کدهای استخراج‌شده به همراه چند نمونه نقل‌قول کلیدی، حداکثر یک هفته بعد به همان مصاحبه‌شونده ارائه شد و از وی خواسته شد صحت برداشت پژوهشگر را تأیید یا اصلاح کند. در ۱۳ مورد از ۱۵ مصاحبه، تأیید کامل دریافت شد و در دو مورد، اصلاحات جزئی اعمال شد.

انتقال‌پذیری: گزارش دقیق و توصیفی از ویژگی‌های بافت پژوهش (موزهٔ خط و کتابت میرعماد)، معیارهای انتخاب خبرگان و جزئیات فرایند تحلیل تهیه شد تا قضاوت دربارهٔ قابلیت تعمیم یافته‌ها به بافت‌های مشابه برای خواننده امکان‌پذیر شود.

اطمینان‌پذیری: برای محاسبه دقیق توافق بین دو کدگذار مستقل، از ضریب کاپای کوهن[6] استفاده شد. بدین منظور، دو کدگذار (نویسندهٔ پژوهش و یک پژوهشگر دیگر آشنا با تحلیل محتوای کیفی) به‌صورت جداگانه ۳۰ مفهوم اولیهٔ تصادفی را کدگذاری کردند. میزان توافق مشاهده‌شده ۸۹درصد و میزان توافق تصادفی ۲۱در بود که منجر به کاپای ۸۲/ ۰ (در سطح عالی) شد.

تأییدپذیری: تمامی مستندات پژوهش شامل فایل‌های صوتی مصاحبه‌ها، فایل‌های پیاده‌شده، فایل پروژه نرم‌افزار NVIVO و گزارش‌های کدگذاری، به‌صورت علمی بایگانی و ضبط شد. برای مدیریت، سازماندهی و تسهیل فرایند کدگذاری، از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی NVIVO استفاده شد. این نرم‌افزار امکان ذخیره‌سازی سیستماتیک کدها، بازبینی آسان میان متن‌ها و استخراج گزارش‌های کدگذاری را فراهم کرد. تمامی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی در محیط این نرم‌افزار انجام و مستند شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و در سه مرحلهٔ کدگذاری تحلیل شدند: کدگذاری باز (شناسایی قطعات معنادار و استخراج ۹۲ مفهوم اولیه از متن مصاحبه‌ها)، کدگذاری محوری (دسته‌بندی مفاهیم مشابه در قالب ۱۸ مقولهٔ محوری) و کدگذاری انتخابی (یکپارچه‌سازی مقوله‌ها حول یک مقولهٔ هسته‌ای) که منجر به استخراج شش شاخص گفتمان روایت‌گری (زیبایی‌شناختی، تاریخی-تمدنی، دینی-عرفانی، تعاملی-رسانه‌ای، روایی-داستانی و مخاطب‌محور) شد. فرایند کدگذاری به‌صورت سیستماتیک و گام‌به‌گام زیر نظر دو پژوهشگر آشنا با تحلیل محتوای کیفی انجام شد:

گام اول (کدگذاری باز): هر یک از ۱۵ متن پیاده‌شده مصاحبه، خط به خط و عبارت به عبارت بررسی شد. به هر بخش معنادار

(جمله یا چند جمله مرتبط) یک برچسب اولیه (کد باز) نسبت داده شد. در این مرحله، مجموعاً ۱۸۵ کد اولیه استخراج شد.

گام دوم (بازبینی و ادغام کدها): کدهای اولیه از نظر هم‌معنایی و همپوشانی بررسی شدند. کدهای مشابه در یک مفهوم دسته‌بندی شدند. به‌عنوان مثال، کدهایی مانند «تأکید بر ظرافت قلم»، «توصیف حرکت و سیالیت خط» و «تحسین ریتم حروف» در مفهوم «توجه به جنبه‌های بصری» ادغام شدند. این فرایند منجر به تقلیل ۱۸۵ کد اولیه به ۹۲ مفهوم شد.

گام سوم (کدگذاری محوری): ۹۲ مفهوم براساس شباهت موضوعی و معنایی در دسته‌های بزرگ‌تر قرار گرفتند. برای نمونه، مفاهیمی مانند «توجه به جنبه‌های بصری»، «احساس لذت زیبایی‌شناختی» و «درک پیچیدگی‌های هنری» در مقولهٔ محوری «شاخص زیبایی‌شناختی» گرد هم آمدند. این مرحله ۱۸ مقولهٔ محوری را پدید آورد.

گام چهارم (کدگذاری انتخابی): ۱۸ مقوله محوری حول شش هستهٔ مرکزی سازماندهی شدند که همان شش شاخص گفتمانی نهایی پژوهش را شکل دادند. جدول ۲ در بخش یافته‌ها، نمایی کلی از این فرآیند را نشان می‌دهد.

یافته‌ها

برگرفته از تحلیل محتوای متن مصاحبه با خبرگان به‌منظور واکاوی نظام‌مند لایه‌های پنهان معنایی در زمینهٔ روایتگری موزهٔ خط و کتابت میرعماد و کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی)، منجر به شناسایی ۹۲ مفهوم اولیه و ۱۸ مؤلفهٔ محوری شد که درنهایت در قالب شش شاخص گفتمانی «زیبایی‌شناختی»، «تاریخی-تمدنی»، «دینی-عرفانی»، «تعاملی-رسانه‌ای»، «روایی-داستانی» و «مخاطب‌محور» سازماندهی شدند؛ این الگوهای گفتمانی، چارچوبی نظری برای گذار از نمایش سنتیِ شیء‌محور به‌سوی روایت‌گری معناگرا فراهم می‌سازند.

شاخص گفتمان زیبایی شناختی بر وجوه صوری و حسی آثار هنر اسلامی در موزه تمرکز دارد و مؤلفه‌های اصلی آن شامل توجه به جنبه‌های بصری (مانند ظرافت خط، ترکیب‌بندی و حرکت قلم)، احساس لذت زیبایی‌شناختی ناشی از هماهنگی رنگ‌ها و کمال فنی، و درک پیچیدگی‌های هنری اثر (قواعد نستعلیق و نوآوری‌های

جدول ۱. مشخصات خبرگان مشارکت کننده در مصاحبه. مأخذ: نگارندگان.

مشخصات مصاحبه شوندگان	نوع	تعداد
آخرین مدرک تحصیلی	دکتری	۳
	کارشناسی ارشد	۱۲
سمت سازمانی رسمی	مدیر ارشد	۲
	مدیر میانی یا معاون	۳
	کارشناس	۱۰
سابقهٔ فعالیت اجرایی	پست رسمی و اداری	۱۰
	هنرمند	۵
سابقهٔ کار	همهٔ اعضای نمونه بیشتر از ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت هنری یا مدیریتی در زمینهٔ موضوع پژوهش داشتند.	

جدول ۲. نمونه‌ای از فرایند کدگذاری از متن مصاحبه تا شاخص گفتمانی. مأخذ: نگارندگان.

نمونهٔ متن مصاحبه (نقل‌قول مستقیم)	کد باز (مفهوم اولیه)	کد محوری (مقوله)	کد انتخابی (شاخص گفتمانی)
وقتی به این قطعه نگاه می‌کنم، انگار قلم روی کاغذ نفس می‌کشد؛ این سیالیت خط برای من لذت‌بخش است.	توصیف حرکت و سیالیت خط	توجه به جنبه‌های بصری	زیبایی‌شناختی
این اثر یادآور اوج هنر صفوی است؛ وقتی جلوی آن می‌ایستم، به هویت ایرانی‌ام افتخار می‌کنم.	اشاره به هویت ایرانی-اسلامی اثر	احساس تعلق به میراث فرهنگی	تاریخی-تمدنی
نور ملایم و سکوت این بخش، آدم را به فکر وادار می‌کند؛ انگار داری با خدا حرف می‌زنی.	ایجاد فضای سکوت برای تفکر	انگیزه برای تعمق و تأمل	دینی-عرفانی

درون سنت) است. هدف این شاخص سنجش میزان جذب مخاطب به عناصر زیبایی‌شناسانه و درک عمیق‌تر ایشان از ظرافت‌های هنری نهفته در آثار خوشنویسی است. جدول ۳ کدهای مربوط به شاخص گفتمان زیبایی شناختی را نشان می‌دهد.

شاخص گفتمان تاریخی-تمدنی به بافت و جایگاه آثار در تمدن اسلامی می‌پردازد و شامل مؤلفه‌های افزایش آگاهی تاریخی (دوره، سلسله، رویدادهای هم‌عصر)، احساس تعلق به میراث فرهنگی (هویت ایرانی-اسلامی و حافظهٔ جمعی) و درک تأثیر هنر اسلامی در تاریخ هنر جهان (تعاملات فرهنگی و نقش واسطه‌گری) است. هدف آن ارزیابی میزان موفقیت روایت موزه در قراردادن اثر

جدول ۳. کدهای استخراج شده مربوط به شاخص گفتمان زیبایی شناختی(کد انتخابی). مأخذ: نگارندگان.

مفاهیم معنایی (کدگذاری باز)	زیر مقوله‌ها (کدگذاری محوری)
-تأکید بر ظرافت و نازکی قلم - توصیف حرکت و سیالیت خط - اشاره به ترکیب‌بندی متوازن صفحه - تحسین ریتم و تکرار حروف	میزان توجه به جنبه‌های بصری
-وصف اثر با صفات زیبا، دلنشین، مسحورکننده - اشاره به هماهنگی رنگ‌ها (مرکب، کاغذ) -تأکید بر کمال فنی اثر - ایجاد تجربهٔ حسی از زیبایی	احساس لذت زیبایی‌شناختی
-تشریح قواعد سخت گیرانه نستعلیق -اشاره به نوآوری‌های بصری هنرمند در چهارچوب سنت - مقایسهٔ سبک شخصی میرعماد با سایر اساتید - افشای ظرایفی که در نگاه اول دیده نمی‌شوند.	درک پیچیدگی‌های هنری اثر

جدول ۴. کدهای استخراج شده مربوط به شاخص گفتمان تاریخی-تمدنی(کد انتخابی). مأخذ: نگارندگان.

مفاهیم معنایی (کدگذاری باز)	زیر مقوله‌ها (کدگذاری محوری)
-ذکر دورهٔ تاریخی اثر (صفوی، قاجار، ...) - اشاره به سال یا قرن خلق اثر - ذکر سلسله یا حکومت زمانهٔ اثر -توصیف رویدادهای مهم هم‌عصر اثر - اشاره به تکامل سبک در یک دوره - مقایسهٔ اثر با نمونه‌های پیشین یا پسین	افزایش آگاهی تاریخی
-تأکید بر هویت ایرانی-اسلامی اثر - اشاره به اثر به‌عنوان بخشی از حافظهٔ جمعی - پیوند اثر با مکان‌های نمادین تمدنی (اصفهان، قزوین) - توصیف اثر به‌عنوان میراث مشترک امت اسلامی -ذکر حفاظت و انتقال اثر عبر نسل‌ها - اشاره به جهانی بودن ارزش اثر در کنار ریشهٔ محلی	احساس تعلق به میراث فرهنگی
-اشاره به تأثیرگذاری سبک بر دیگر مکاتب -ذکر تعاملات فرهنگی (مانند تأثیر بر خوشنویسی عثمانی یا هند) - توصیف منحصربه‌فرد بودن دستاورد هنر اسلامی -مقایسه با هنر غیراسلامی هم‌دوره - تأکید بر نقش واسطه‌گری تمدن اسلامی در انتقال هنر - اشاره به بازتاب جهانی هنر خوشنویسی اسلامی	درک تأثیر هنر اسلامی در تاریخ هنر جهان

در یک سیر تمدنی و تقویت حس هویت فرهنگی در بازدیدکننده است. جدول ۴ کدهای مربوط به شاخص گفتمان تاریخی -تمدنی را نشان می دهد.
شاخص گفتمان دینی عرفانی بر ابعاد معنوی و تعالی‌بخش آثار متمرکز است و مؤلفه‌های آن عبارتند از تجربهٔ احساس معنوی یا روحانی القاشده توسط مضامین مقدس و فضاسازی، درک پیام‌های اخلاقی-دینی نهفته در متن، و انگیزه برای تعمق و تأمل در مفاهیم عمیق عرفانی. هدف شاخص، سنجش عمق تأثیر معنوی و اخلاقی آثار بر مخاطب و ترغیب ایشان به تفکر فرامادی است. این مؤلفه‌های فضایی که در چارچوب نشانه‌شناسی فضایی قابل تحلیل هستند، نشان می‌دهند که روایت‌گری موزه تنها به متن محدود نمی‌شود. جدول ۵ کدهای مربوط به شاخص گفتمان دینی- عرفانی را نشان می دهد.
شاخص گفتمان تعاملی- رسانه‌ای شیوه‌های نوین و فناورانه درگیرسازی مخاطب را بررسی می‌کند و شامل مؤلفه‌های سطح مشارکت فعال بازدیدکننده (از طریق ابزارهای لمسی و بازی)، جذابیت و نوآوری در ارائه (با رسانه‌هایی مانند انیمیشن و واقعیت افزوده)، و افزایش مدت زمان ماندگاری در موزه (از طریق طراحی مسیرهای

جدول ۵. کدهای استخراج شده مربوط به شاخص گفتمان دینی-عرفانی(کد انتخابی). مأخذ: نگارندگان.

مفاهیم معنایی (کدگذاری باز)	زیر مقوله‌ها (کدگذاری محوری)
-نمایش آیات قرآنی و احادیث - استفاده از فضاسازی مذهبی (نور ملایم، سکوت) - تأکید بر تقدس متن نوشته شده - اشاره به نیایش یا ذکر بودن محتوا - توصیف حالات روحانی هنرمند هنگام خلق	تجربهٔ احساس معنوی یا روحانی
-تفسیر اخلاقی مضامین خطوط - پیوند میان زیبایی خط و اخلاق نیکو - تأکید بر تعالیم اسلامی نهفته در متن - ذکر پند و اندرزهای ادعیه	درک پیام‌های اخلاقی-دینی
-دعوت به تأمل در معانی - ایجاد فضای سکوت برای تفکر - طرح سؤالات فلسفی-عرفانی در توضیحات - اشاره به رمز و راز نهفته در خطوط	انگیزه برای تعمق و تأمل

جدول ۶. کدهای استخراج شده مربوط به شاخص گفتمان تعاملی- رسانه‌ای(کد انتخابی). مأخذ: نگارندگان.

مفاهیم معنایی (کدگذاری باز)	زیر مقوله‌ها (کدگذاری محوری)
-وجود صفحات لمسی برای کاوش -بازی‌های آموزشی مرتبط با خط -امکان‌رای‌دهی یا نظرگذاری دیجیتال -ایستگاه‌های کاری تعاملی (مثل تمرین خط)	سطح مشارکت فعال بازدیدکننده
-استفاده از پروژکتورهای تعاملی -انیمیشن‌های توضیحی روی آثار -راهنمای صوتی داستان‌محور -واقعیت افزوده (AR) برای مشاهدهٔ جزئیات	جذابیت و نوآوری در ارائه
-طراحی مسیرهای کشف دیجیتال -چالش‌های مرحله‌ای برای تکمیل بازدید - ارائهٔ محتواهای عمقی اختیاری -سیستم پاداش دیجیتال برای تعامل کامل	افزایش مدت زمان ماندگاری

تعاملی و چالش‌محور) می‌شود. هدف آن اندازه‌گیری اثربخشی فناوری در غنی‌سازی تجربهٔ بازدید و تعمیق تعامل است. جدول ۶ کدهای مربوط به شاخص گفتمان تعاملی رسانه ای را نشان می دهد.

شاخص گفتمان روایی- داستانی به قدرت قصه‌گویی و روایت‌پردازی موزه می‌پردازد و مؤلفه‌های آن شامل جذب عاطفی به روایت ارائه‌شده (از طریق زندگی‌نامه و داستان‌های نمادین)، پیگیری توالی روایی در بازدید (چیدمان داستانی و نشانه‌های بصری)، و به خاطرسپاری جزئیات روایت (تکرار نمادها و خلاصه‌سازی)هست؛ منظور از شاخص گفتمان روایی داستانی و مؤلفه‌های آن، میزان درگیر شدن عاطفی و شناختی مخاطب با روایت یکپارچهٔ موزه است. جدول ۷ کدهای مربوط به شاخص گفتمان روایی- داستانی را نشان می دهد.

شاخص گفتمان مخاطب محور بر تطبیق تجربهٔ موزه با نیازهای متنوع مراجعین تأکید دارد و مؤلفه‌های آن شامل احساس مرتبط‌بودن با محتوا (از طریق توضیحات دو سطحی و مقایسه‌های ملموس)، رضایت از سطح اطلاعات ارائه‌شده (تعادل بین عمق و سادگی)، و انعطاف‌پذیری تجربهٔ بازدید (مسیرهای انتخابی و راهنمای شخصی) است. هدف نهایی، ارزیابی میزان موفقیت موزه در پاسخگویی به انتظارات و توانایی‌های گوناگون مخاطبان خود است. جدول ۸ کدهای مربوط به شاخص گفتمان مخاطب محوری را نشان می دهد. اگرچه هر شش

جدول ۷. کدهای استخراج شده مربوط به شاخص گفتمان روایی- داستانی(کد انتخابی). مأخذ: نگارندگان.

مفاهیم معنایی (کدگذاری باز)	زیر مقوله‌ها (کدگذاری محوری)
-روایت زندگی پر فراز و نشیب هنرمند - اشاره به عشق، رنج، یا جاه‌طلبی هنرمند -توصیف روابط عاطفی هنرمند با معاصران - بیان داستان‌های نمادین از پشت آثار	جذب عاطفی به روایت ارائه‌شده
-چیدمان آثار براساس توالی زمانی زندگی -وجود عنوان‌بندی روایی برای هر بخش (آغاز، اوج، پایان) - استفاده از نشانه‌های بصری برای پیشبرد قصه -راوی صوتی یکپارچه در طول مسیر	پیگیری توالی روایی در بازدید
-تکرار نقش‌های کلیدی در روایت (مانند استاد یا حامی) - استفاده از نمادهای ملموس و تکرارشونده -خلاصه‌سازی پیرنگ اصلی در انتهای بازدید - ارائهٔ فلش‌کارت‌های داستانی دیجیتال	به خاطرسپاری جزئیات روایت

جدول ۸. کدهای استخراج شده مربوط به شاخص گفتمان مخاطب محور(کد انتخابی). مأخذ: نگارندگان.

مفاهیم معنایی (کدگذاری باز)	زیر مقوله‌ها (کدگذاری محوری)
-ارائه توضیحات به زبان ساده و تخصصی - استفاده از مقایسه‌های ملموس برای درک مفاهیم -توجه به پیش‌فرض‌های ذهنی مخاطب عام - طرح سؤالات آغازین براساس دغدغه‌های رایج	احساس مرتبط‌بودن با محتوا
-وجود خلاصه‌های یک پاراگرافی برای عجولان - ارائهٔ متون عمیق برای پژوهشگران -منابع اضافی قابل دسترسی (QR Code) -تعادل بین اطلاعات فنی و جذابیت عمومی	رضایت از سطح اطلاعات ارائه‌شده
-وجود مسیرهای پیشنهادی متفاوت (کوتاه، کامل، کودکانه) - امکان رد شدن اختیاری از برخی بخش‌ها -نیمکت‌ها و فضاهای استراحت در مسیر سیستم راهنمای شخصی قابل تنظیم	انعطاف‌پذیری تجربهٔ بازدید

گفتمان شناسایی‌شده در تصویر ۱ در روایت‌گری موزهٔ میرعماد حضور دارند، تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که این گفتمان‌ها از ساختار سلسله‌مراتبی یکسانی پیروی نمی‌کنند و میان آنها تنش‌های معنایی قابل توجهی وجود دارد. به‌عنوان مثال، گفتمان «زیبایی‌شناختی» که عمدتاً بر وجوه صوری و کمال فنی آثار تأکید دارد، با گفتمان «دینی-عرفانی» که اصالت را به تجربهٔ معنوی و تعالی‌بخشی می‌دهد، در مواردی در تضاد است؛ چرا که اولی نگاه را به سطح اثر و دومی نگاه را به فراسوی اثر معطوف می‌کند. به همین ترتیب، گفتمان «تاریخی-تمدنی» با تأکید بر حافظهٔ جمعی و هویت گذشته‌نگر، ممکن است با گفتمان «تعاملی-رسانه‌ای» که به دنبال ارتباطی پویا و زمان‌حاضر با مخاطب است، هم‌پوشانی معنایی کامل نداشته باشد.

یافته‌ها حاکی از آن است که گفتمان غالب در روایت‌گری فعلی موزه، گفتمان «تاریخی-تمدنی» است (بیشترین فراوانی کدها با ۳۴درصد از کل کدهای استخراجی)، در حالی که گفتمان‌های «تعاملی-رسانه‌ای» و «روایی-داستانی» کمترین وزن را در نتایج مصاحبه‌ها با خبرگان داشتند (به ترتیب ۸درصد و ۱۱درصد). این وضعیت نشان می دهد روایت تاریخی تمدنی یا به عبارت دیگر نگاهی مبنی‌بر پیشینهٔ آثار در قالب روایت تاریخچهٔ اثر و مستند سازی و بایگانی سوابق این آثار وزن بیشتری نسبت به روایت‌های مشارکت‌جو و قصه‌محور دارد؛ شکافی که چارچوب شش‌گانهٔ استخراج‌شده می‌تواند پاسخی نظام‌مند برای رفع آن ارائه دهد.

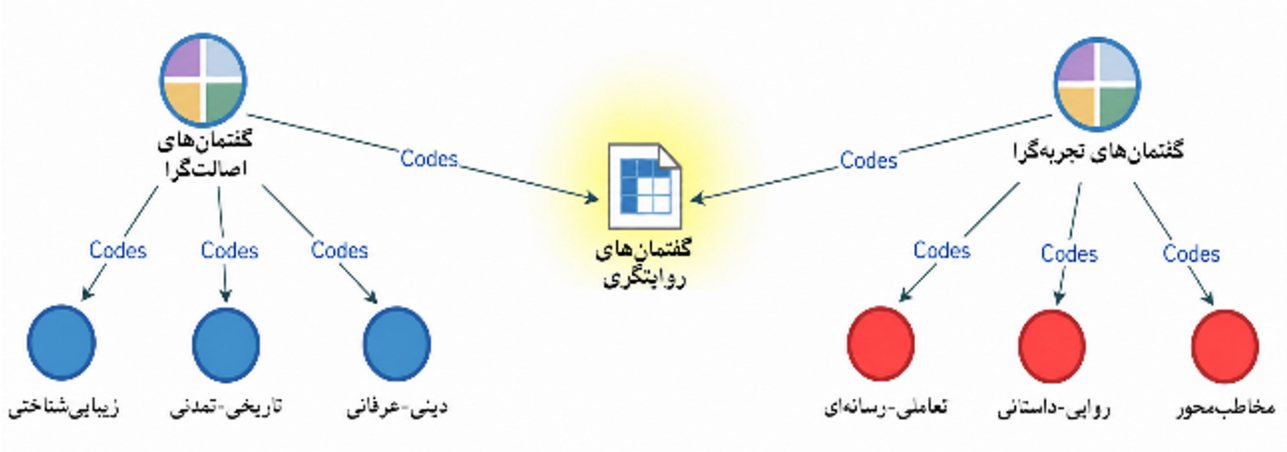
تحلیل روابط میان گفتمان‌ها: بررسی ارتباط نظری میان شش گفتمان (براساس هم‌بودی کدها در متن مصاحبه‌ها) نشان می‌دهد که سه گفتمان «تاریخی-تمدنی»، «زیبایی‌شناختی» و «دینی-عرفانی» بیشترین هم‌آیی را با یکدیگر دارند؛ به این معنا که خبرگانی که به یکی از این سه گفتمان اشاره داشتند، معمولاً دو گفتمان دیگر را نیز به‌صورت ضمنی یا صریح مطرح می‌کردند. این سه گفتمان را می‌توان «هستهٔ سخت روایت‌گری سنتی» موزه نامید.

در مقابل، گفتمان‌های «تعاملی-رسانه‌ای» و «مخاطب‌محور» اغلب در تقابل با گفتمان سنتی مطرح می‌شدند و خبرگانی که بر این دو گفتمان تأکید داشتند، گفتمان تاریخی-تمدنی را ناکافی می‌دانستند. جالب توجه آنکه گفتمان «روایی-داستانی» به‌عنوان پلی میان این دو دسته عمل می‌کند؛ چرا که هم می‌تواند در چارچوب روایت سنتی (مثل قصهٔ زندگی میرعماد) قرار گیرد و هم به شکلی تعاملی و مخاطب‌محور بازتعریف شود.

تنش اصلی میان گفتمان «حفاظت از اصالت» (که عمدتاً با سه گفتمان نخست گره خورده) و گفتمان «تجدید تجربهٔ مخاطب» (که با سه گفتمان دوم در ارتباط است) قرار دارد. مدل پیشنهادی این پژوهش، موزه را به‌عنوان «میدان گفتگوی چندصدایی» معرفی می‌کند که نباید یکی از این دو دسته را بر دیگری ترجیح دهد، بلکه باید فضایی برای دیالوگ میان آنها ایجاد کند.»

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که «کیمیای کلمات» در موزهٔ میرعماد نه در حفاظت از اشیاء، که در توانایی خلق روایت‌هایی زنده و چندلایه نهفته است. عبور از پارادایم «نمایش شیءمحور» به‌سوی «میدان گفتگوی گفتمان‌ها»، مستلزم بازنگری در اولویت‌بندی‌های ناآگاهانه کیوریتوریال



تصویر ۱. مدل مفهومی پژوهش - «از انجماد گفتمان‌ها به میدان گفتگوی چندصدایی». مأخذ: نگارندگان.

است. چارچوب پیشنهادی شش‌گانه، نقشهٔ راهی برای این گذار فراهم می‌کند؛ اما تحقق آن نیازمند عزم نهادی و پژوهش‌های تجربی بعدی برای سنجش تأثیر هر گفتمان بر گروه‌های مختلف مخاطبان است. مدل «چندصدایی»، اگرچه آرمان‌خواهانه به نظر می‌رسد، تنها گزینهٔ پیش روی موزه‌هایی است که می‌خواهند از «معبد منجمد» به «آزمایشگاه زندهٔ فرهنگی» تبدیل شوند.

از لحاظ نظری، این تحقیق با تلفیق چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه‌های روایت‌گری موزه‌ای، نگاهی جامع و نظام‌مند برای فهم و تحلیل فرایند تولید معنا در موزه‌های تخصصی هنر اسلامی ارائه می‌دهد. این یافته نه‌تنها شکاف موجود در مطالعات انتقادی موزه‌شناسی در بافت فرهنگی ایران را پر می‌کند، بلکه با تأکید بر ابعاد چندگانه زیبایی‌شناختی، تاریخی، دینی و تعاملی آثار، درکی چندبعدی و عمیق‌تر از کارکرد موزه به‌عنوان یک نهاد فرهنگی-گفتمانی فراهم می‌سازد. تمرکز بر موزهٔ میرعماد به‌عنوان یک مورد تخصصی، باعث شد تا پژوهش از کلی‌گرایی فاصله گرفته و الگویی قابل تعمیم به سایر موزه‌های مشابه (مانند موزه‌های قرآنی یا خوشنویسی) ارائه نماید.

یافته‌های این پژوهش در سطح عملی، نقشه‌راهی کاربردی برای مدیران، کیوریتورها و طراحان تجربهٔ موزه‌ای فراهم می‌کند. چارچوب شش‌گانه استخراج‌شده می‌تواند مبنایی برای بازطراحی چیدمان، برنامه‌ریزی نمایشگاه‌های موضوعی، طراحی محتوای تفسیری چندسطحی، و ادغام فناوری‌های تعاملی و رسانه‌ای در راستای غنی‌سازی تجربهٔ بازدیدکننده قرار گیرد. به‌طور خاص، تأکید بر گفتمان‌های مخاطب‌محور و تعاملی-رسانه‌ای راهکارهایی عینی برای جذب نسل جوان و مخاطبان بین‌المللی ارائه می‌دهد، در حالی که توجه همزمان به گفتمان دینی-عرفانی و تاریخی-تمدنی، اصالت و عمق معنوی موزه را حفظ می‌کند. این رویکرد یکپارچه، موزه را قادر می‌سازد تا ضمن انجام رسالت آموزشی و حفاظتی خود، به فضایی پویا برای گفت‌وگوی بینافرهنگی و تقویت هویت فرهنگی بدل شود.

این پژوهش نشان می‌دهد که «کیمیای کلمات» در تالار تاریخ موزهٔ میرعماد، نه در انجماد اشیاء که در احیای روایت‌های زنده و چندبعدی نهفته است. موفقیت آیندهٔ موزه‌های هنر اسلامی در گرو توانایی آنها در خلق تجربه‌هایی است که میان سنت و نوآوری، زیبایی و معنا، و مخاطب و اثر پل می‌زند. نتایج و چارچوب پیشنهادی این مطالعه، با برقراری پیوندی ارگانیک بین تحلیل نظری گفتمان‌ها و نیازهای عملی موزه‌داری معاصر، نه‌تنها به درک بهتر نقش موزه به‌مثابهٔ یک کنشگر فرهنگی می‌انجامد، بلکه ابزاری راهبردی برای تحول آن به‌سوی نهادی مشارکت‌جو، یادگیرنده و معناساز فراهم می‌آورد. تحقق این چشم‌انداز مستلزم عزم نهادی برای به کارگیری یافته‌های این پژوهش و تداوم پژوهش‌های تجربی در زمینهٔ تأثیرگذاری الگوهای روایی بر مخاطبان متنوع است.

محدودیت‌هایی نیز در این پژوهش وجود داشت، یکی از این محدودیت ها محدودیت روش کیفی و نمونه بود به این معنا که با اینکه نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، اما ماهیت کیفی پژوهش و تمرکز بر خبرگان (۱۵ نفر) امکان تعمیم‌پذیری گستردهٔ آماری یافته‌ها را محدود می‌کند. محدودیت دیگر این بود که پژوهش حاضر تنها بر روی یک مورد خاص (موزهٔ خط و کتابت میرعماد) متمرکز بود. اگرچه یافته‌ها برای موزه‌های مشابه ارزش الگویی دارد، اما ویژگی‌های منحصربه‌فرد این موزه ممکن است بر نتایج تأثیر گذاشته باشد. آخرین محدودیتی که باید به آن اشاره کرد محدودیت زمانی است چرا که پژوهش در یک بازهٔ زمانی خاص انجام شده و گفتمان‌های موزه ممکن است تحت تأثیر تحولات مدیریتی، نمایشگاه‌های موقت یا تغییرات اجتماعی دستخوش تغییر شوند. مطالعهٔ پویایی این گفتمان‌ها در طول زمان نیازمند پژوهش‌های طولی است. براساس نتایج این مطالعه می‌توان پیشنهادات کاربردی عملیاتی زیر را ارائه داد:

طراحی چیدمان و مسیر روایی چندلایه: پیشنهاد می‌شود با استفاده از چارچوب شش‌گانهٔ شناسایی‌شده، مسیر بازدید موزه به بخش‌های موضوعی یا گفتمان‌محور تقسیم شود. به‌طور مثال، ایجاد «گذر زیبایی‌شناسی» با نورپردازی ویژه بر جنبه‌های بصری، «تالار تمدنی» با نقشه‌های تعاملی سیر تحول خط و «فضای عرفانی» با پخش نوای قرائت قرآن و فضاسازی معنوی؛ این امر به مخاطب امکان می‌دهد براساس علاقهٔ خود، تجربهٔ شخصی‌سازی‌شده‌ای داشته باشد.

توسعهٔ محتوای تفسیری هوشمند: طراحی برچسب‌ها، راهنمای صوتی و اپلیکیشن موزه به‌گونه‌ای که برای هر اثر، لایه‌های اطلاعاتی متفاوت (مختصر برای عموم، تخصصی برای پژوهشگران، داستانی برای کودکان) ارائه دهد. استفاده از QR کد برای دسترسی به منابع عمیق‌تر، انیمیشن‌های کوتاه دربارهٔ فنون خوشنویسی، یا پادکست‌هایی از زندگی میرعماد می‌تواند مؤثر باشد.

ادغام فناوری‌های تعاملی و غیرمخرب: استقرار ایستگاه‌های واقعیت افزوده[۷] که امکان مشاهدهٔ جزئیات قلم‌برداری یا مراحل خلق اثر را فراهم می‌کند. ایجاد محیط‌های واقعیت مجازی[۸] برای تجربهٔ نمادین «لوح

و قلم» یا سفر به دورهٔ تاریخی اثر؛ همچنین، طراحی بازی‌های دیجیتال ساده (مانند کامل‌کردن یک جمله با قطعات خوشنویسی) برای درگیرسازی کودکان و نوجوانان.

برنامه‌ریزی نمایشگاه‌های دوره‌ای موضوع‌محور: برگزاری نمایشگاه‌های موقت با عناوینی مانند «نستعلیق و فلسفه وحدت»، «خوشنویسی و موسیقی»، یا «سیر تطور خط ثلث»، که هر کدام یکی از گفتمان‌ها (مثلاً عرفانی، زیبایی‌شناختی، تاریخی) را به‌صورت عمیق‌تر واکاوی کند و دعوت از هنرمندان معاصر برای ایجاد دیالوگ بین سنت و هنر جدید نیز می‌تواند جذاب باشد.

سنجش مستمر رضایت و تعامل مخاطب: راه‌اندازی سیستم‌های بازخورد دیجیتال در نقاط مختلف موزه و تحلیل داده‌های مربوط به‌مدت زمان ماندگاری در هر بخش، میزان استفاده از ابزارهای تعاملی و نظرات بازدیدکنندگان؛ این داده‌ها برای ارزیابی اثربخشی هر گفتمان و بهینه‌سازی مستمر روایت‌گری حیاتی است.

توانمندسازی راهنمایان و مربیان: برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای راهنمایان موزه براساس چارچوب شش‌گانه، تا بتوانند روایت‌های منعطف و متناسب با پیشینهٔ مخاطب (گردشگر خارجی، دانشجو، خانواده) ارائه دهند. برای محققانی که علاقه‌مند به ادامهٔ پژوهش در این حوزه هستند هم می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه داد:

پژوهش‌های کمّی و سنجش تأثیر: انجام مطالعات کمّی (با پرسشنامه یا مشاهدهٔ سیستماتیک) برای سنجش میزان تأثیرگذاری هر یک از شش گفتمان بر شاخص‌هایی مانند رضایت، یادگیری، تغییر نگرش و تعامل مخاطبان با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مختلف (سن، تعلق به نسل‌های مختلف مثل نسل Z، پیشینهٔ مذهبی).

مطالعهٔ تطبیقی: انجام پژوهش‌های مشابه در سایر موزه‌های تخصصی هنر اسلامی ایران یا موزه‌های معتبر بین‌المللی (مانند موزهٔ هنرهای اسلامی دوحه) به منظور مقایسهٔ گفتمان‌های مسلط و استخراج بهترین شیوه‌های روایت‌گری در بافت‌های گوناگون.

تمرکز بر مخاطب خاص: پژوهش‌های عمقی دربارهٔ تجربه و انتظارات گروه‌های خاص مخاطبان، مانند «کودکان و نوجوانان»، «گردشگران غیرمسلمان»، یا «پژوهشگران هنر اسلامی» از موزهٔ میرعماد و طراحی الگوهای روایی سفارشی‌شده برای آنها.

تحلیل گفتمان بصری و فضایی: استفاده از روش‌هایی مانند «نقشه‌برداری رفتاری» یا «تحلیل نشانه‌شناسی فضای موزه» برای فهم چگونگی شکل‌گیری معنا از طریق معماری، نور، رنگ و چیدمان فیزیکی، فراتر از محتوای متنی.

پژوهش در حوزهٔ اقتصاد خلاق و موزه: بررسی راهکارهای عملیاتی کردن مدل چندگفتمانی در قالب توسعهٔ محصولات فرهنگی-خلاق (اپلیکیشن، بازی، مستند)، ایجاد درآمد پایدار و تقویت برند موزهٔ میرعماد در فضای دیجیتال.

تقدیر و تشکر

از کلیه پرسنل موزه خط و کتابت میرعماد تشکر و قدردانی می‌شود.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می دارند که در انجام این پژوهش، هیچ گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

پی نوشت‌ها

۱. Michel Foucault
۲ Ernesto Laclau & Chantal Mouffe
۳ Mieke Bal
۴ Seymour Chatman
۵ Lincoln & Guba
۶ Cohen's Kappa
۷ Added Reality
۸ Virtual Reality

فهرست منابع

• رضایی مهوار، میثم. (۱۴۰۲)، *تحلیلِ گفتمان روایی در نمایشگاه و چیدمان موزه‌های هنر مطالعه موردی: بخش ساینزبری گالری ملی لندن*، [رسالهٔ دکتری تخصصی، دانشگاه هنر اصفهان]. https://l1nq.com/jy815to

• رستمی, متین. (۱۴۰۳). بررسی تأثیرپذیری مخاطبان از عناصر یادمانی موزهٔ جنگ برمبنای مؤلفه‌های مبتنی‌بر نمادشناسی (نمونه موردی:مخاطبان موزهٔ ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس). *فصلنامهٔ نگره*، ۱۹(۷۱), ۱۲۱-۱۳۹. https://doi.org/10.22070/negareh.2023.17112.3148

• Ahmed, M. A. T., Saad, S. G., & Tawfik, T. S. (2025). USING PR TOOLS AND ACTIVITIES IN MUSEUMS FOR A BETTER COMMUNITY ENGAGEMENT: EGYPT VISION 2030. *Journal of the General Union of Arab Archaeologists, 10*(2), 196-210. https://doi.org/10.21608/jguaa2.2024.248914.1156

• Arias, M. P. (2018). *Instagram trends: Visual narratives of embodied experiences at the Museum of Islamic Art*. Museums and the Web.

• Arik, H. (2026). Feminist geopolitics of creativity: A study of women practicing Islamic and traditional visual arts in Istanbul. *Political Geography, 124*, 103445. https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2025.103445

• Castellano, C. G. (2020). Decentring the Genealogies of Art

Activism. *Third Text, 34*(4–5), 437–447. https://doi.org/10.1080/09528822.2020.1823723

• Chourmouziadi, A. (2025). Museums and narrative. from 'Grand Narratives' and objects biographies to exhibition storytelling. *Museum Management and Curatorship, 41*(1), 1-16. https://doi.org/10.1080/09647775.2025.2467711

• Ciotti, M. (2023). 'Why do you fall in love? Why do you worship Vishnu and Shiva?': Decolonising Collecting through the Visual-Material Cosmos of a Nation's 'Interior Designers. *Third Text, 37*(2), 262–284. https://doi.org/10.1080/09528822.2023.2251855

• Dashtizadeh, M., & Mesbah, G. (2025). The role of museum discourse in the partial coherence of conflicting discourses (a case study of the exhibition 'A future for the past'). *Journal of Culture-Communication Studies, 26*(69), 177-206. https://doi.org/10.22083/jccs.2024.470616.3902

• Eiranen, R., Hatavara, M., Kivimäki, V., Mäkelä, M., & Toivo, R. M. (2022). Narrative and experience: interdisciplinary methodologies between history and narratology. *Scandinavian Journal of History, 47*(1), 1–15. https://doi.org/10.1080/03468755.2021.2019107

• Fadaei Tehrani, M., Nedaei fard, A., & Peyvastegar, M. (2023). New approaches to education in museums and the impact of empathy on the learning outcomes of visitors Case study: Nad Ali Mir Emad. *Visual Art Studies, 1*(1), 25-36. https://doi.org/10.22111/jart.2023.45447.1034

• Gazi, X. (2022). Influencing Presentation and Interpretation of Islamic Art in Museum Settings: The Myths of Inclusivity, Didacticism, and Provincialism. In O, Öztürk, X, Gazi., & S. Bowker (eds). *Deconstructing the Myths of Islamic Art* (pp. 93-109). Routledge.

• Gonzalez, V. (2022). The Religious Plot in Museums or the Lack Thereof: The Case of Islamic Art Display. *Religions, 13*(4), 281. https://doi.org/10.3390/rel13040281

• Grigor, T. (2020). Amateur Aesthetics as State Narrative in Iranian Martyrdom. *Third Text, 34*(1), 93–109. https://doi.org/10.1080/09528822.2020.1724680

• Hassan, M. A. M., Kalefa, H. A. E. M. A., & Sabet Mohamed, M. H. (2025). Enhancing museum engagement through virtual reality A case study of the Egyptian Museum in Cairo. *International Journal of Engineering and Applied Sciences-October 6 University, 2*(1), 111-125. https://doi.org/10.21608/ijeasou.2025.344546.1018

• Hovenden, F. M., Yates, S., Woodman, M., & Sharp, H. C. (2025). The use of ethnography with discourse analysis in the study of software quality management systems. *WIT Transactions on Information and Communication Technologies, 8*. https://doi.org/10.2495/SQM940411

• Ibrahim, R. (2023). *An examination of the relationship between Islamic Collections and their audiences: a comparative study of two British museums* [Doctoral dissertation, University of Birmingham]. http://etheses.bham.ac.uk/id/eprint/13814

• Khan, S. U., & Iqbal, S. (2025). CULTURAL DIPLOMACY AND ISLAMIC IDENTITY: PAKISTAN'S OUTREACH IN THE MUSLIM COMMUNITY. *Journal of Religion and Society, 3*(01), 100-114. https://www.islamicreligious.com/index.php/Journal/article/view/57

• Kjørholt, I. H. (2024). Reading Museum Narratives: A Narratological Approach to the Holocaust Exhibitions at the Jewish Museum Trondheim and the Oslo Jewish Museum. *Museums, Narratives, and Critical Histories*, 45-64. https://doi.org/10.1515/9783110787443-003

• LeBlanc, R. J. (2022). Telling more than you should: Narrative, narratology, and character narration. *English Journal, 111*(4), 71-77. https://doi.org/10.58680/ej2022.31695

• Luo, M., & Wang, R. (2023). Curating a Continued Dream: Logistical Power in Nanjing Imperial Examination Museum of China. *Critical Arts, 37*(6), 88–108. https://doi.org/10.1080/02560046.2024.2325637

• Morcos, G. N., & Morcos, G. N. (2025). The Reflection of Arabic Islamic Visual Identity Through The Use of Arabic Calligraphy In Graphic Design (Practice: Quran Karim's Daisy Version Cover Design). *Journal of Arts & Architecture Research Studies, 6*(11). https://doi.org/10.47436/jaars.2025.330477.1228

• Prochwicz-Studnicka, B. (2025). Arabic Calligraphy as a Form of Artistic Expression. *Perspektywy Kultury, 49*(2), 71-90. https://doi.org/10.35765/pk.2025.4902.07

• Rezaei Mahvar M., & Nazeri, A. (2024). Narratological Analysis of Art Museums with an Emphasis on the Concept of Framing as the Event's Dimension based on Mieke Ball & Symour Chatman's Theories. *Seientific Journal of Motaeate-e Tatbighi-e Honar, 14*(27), 17-35. https://doi.org/10.61186/mth.14.27.17

• Šuvaković, M. (2009). Remembering the Art of Communism: Analysis of Contradiction: Approaches and Transgressions. *Third Text, 23*(1), 15–24. https://doi.org/10.1080/09528820902786594

• Yunita, Y. (2022). The role of caligraphic arts in civilization

Islamic culture. *Ri'ayah: Jurnal Sosial dan Keagamaan, 7*(2), 263-272. https://doi.org/10.32332/riayah.v7i2.5841

• Yusof, B., & Azalie, I. A. (2025). Jawi and Cultural Heritage Conservation: A Case Study on Brunei's Yayasan Sultan Haji Hassanal Bolkiah Islamic Calligraphy and Arts Study Centre. In *Heritage Tourism: Vietnam and Asia* (pp. 235-251). Singapore: Springer Nature Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-96-5427-7_12

• Zakeri, S. (2025). *An Investigation of the Potentialities of the Islamic Calligraphic Image for Contemporary Iranian Painting* [Unpublished thesis from the Complutense University of Madrid, Faculty of Fine Arts], read on 24/05/2024 https://hdl.handle.net/20.500.14352/114867

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله:

نصرت نظامی، الهام؛ داودی رکن‌آبادی، ابوالفضل؛ جعفری، حمیده و مبینی‌پور، نیره‌السادات. (۱۴۰۵). کیمیای کلمات در تالار تاریخ: واکاوی انتقادی گفتمان‌های مسلط بر روایت‌گری در موزهٔ خط و کتابت میرعماد. *باغ نظر*، ۲۳ (۱۶۲)، ۵-۱۸.

DOI: 10.22034/bagh.2026.572914.5980
URL: https://www.bagh-sj.com/article_248380.html